

لازم می‌دانند و اصلاحاتی را که به نظرشان می‌رسد آماده می‌کنند. به عبارتی برنامه‌ای که دولت فعلی می‌نویسد شاید توسط دولت بعدی زیر و رو شود اما در عین حال نقطه عزیمتی است برای آن برنامه‌نهایی و همین کار باعث جلوگیری از فرآیندها می‌شود. با این ترتیب می‌شود کاری کرد که دولت بعد در اواخر تابستان سال آینده برنامه توسعه‌ای داشته باشد که خودش آن را تصویب کرده و خودش هم باید اجرا کند. یعنی پایه و زمینه آن را از این دولت می‌گیرد اما خودش چه قبل از انتخابات و چه بعد از آن فرصت تغییر و اصلاح آن را دارد. یعنی بعد از رأی مجلس به کابینه دومین کار مجلس در قبال دولت جدید می‌تواند بررسی برنامه توسعه باشد. مقدمات این کار را الان دولت آقای روحانی می‌تواند انجام دهد و مقدمات آن را فراهم کند که این توپ را به خوبی به دولت بعدی پاس دهد. نه اینکه دولت برنامه را آماده نکند و فقط مقدمات آن را فراهم کند و برنامه را به دولت بعدی بسپارد. نه این کار درستی نیست. چون دولت بعدی تا باید جا بیفتد و برنامه آماده کند حدوداً دو سال طول می‌کشد یعنی تا اواسط دولت بعدی. پس از آن هم دوباره درگیر انتخابات می‌شود و عملاً دو سال بعدی هم کار چندان در ارتباط با قانون برنامه و نظام برنامه ریزی انجام نمی‌دهد. تازه شروع به نوشته برنامه بعدی می‌کند و این دور باطل همچنان ادامه خواهد داشت.

■ اما سابقه برنامه‌نویسی در ایران چیز دیگری را می‌گوید و خیلی وقت‌ها نگارش آیین‌نامه اجرایی برخی از قوانین سال‌ها طول می‌کشد. حتی نمونه‌هایی داشتیم که مهلت قوانین توسعه به پایان رسیده اما هیچگاه بخش بزرگی از آیین‌نامه اجرایی آنها نوشته نشده است. با این پیشینه چقدر پیشنهاد شما واقع‌بینانه است؟

بله، یکی از آسیب‌هایی که باید رفع شود همین موضوع است. اگر برنامه مختصر و مبتنی بر عناوین اصلی تدوین شود از همین الان می‌توان برنامه‌های تفصیلی اجرایی آن را که نیازی به تصویب مجلس هم ندارد آماده کرد که در طول شش ماهه دوم همین امسال این کار امکان‌پذیر است. همین برنامه‌های تفصیلی زمینه را برای تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی توسط دولت بعدی فراهم می‌کند. مشکل ما در تدوین آیین‌نامه‌ها این است که قبل از آنکه تصور روشنی از تکلیفی که در قانون برنامه آمده است داشته باشیم می‌خواهیم برای آن آیین‌نامه بنویسیم. یکی از علل تأخیرهای طولانی آیین‌نامه‌ها همین است. مثل این می‌ماند که می‌خواهیم یک بازی بکنیم که هنوز نمی‌دانیم چیست آن وقت می‌خواهیم برایش آیین‌نامه بنویسیم. شما تا ندانید می‌خواهید فوتبال بازی کنید یا والیبال یا بسکتبال چگونه می‌خواهید برایش مقررات بنویسید؟ شما تا ندانید دولت الکترونیک چیست، چگونه می‌خواهید آیین‌نامه بنویسید؟ بنابراین من معتقدم که در این زمان باقی‌مانده دولت برای اصلاح نظام برنامه ریزی باید این کار را بکند که اولاً عناوین اصلی برنامه هفتم و ثانیاً برنامه‌های تفصیلی اجرایی آن را که «سند سیاستی» می‌نامم تدوین و آماده سپردن به دولت بعدی کند و این خدمت مهمی است که این دولت می‌تواند بکند. سبک برنامه‌نویسی سبک نادرستی

بوده که الان هم بسیاری از کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که باید در آن تجدیدنظر شود. این چیزی که من می‌گویم و شماری از کارشناسان سازمان برنامه هم آن را تأیید می‌کنند این است که همین الان مثلاً هر وزارتخانه بیاورد و سه برنامه اصلی‌اش را تعیین کند. یک بخش مهمی از آسیب برنامه‌نویسی کشور ما برمی‌گردد به اینکه حجم وسیعی از برنامه‌های پیشنهادی بدون فیلتر جدی و با فشارهای بخشی وارد قانون می‌شوند و این مسیر باید تغییر کند. بعید است الان دستگاه‌ها برنامه‌های اصلی خودشان را ندانند و درباره آن شناخت نداشته باشند. با این ترتیب وقتی ما حدود ۲۰ دستگاه مختلف داشته باشیم و آنها هم هر کدام سه برنامه داشته باشند، یک قانون برنامه جمع و جور و واقع‌بینانه خواهیم داشت. حتی برخی به شکل دیگری معتقدند که باید ما قوانین برنامه را تبدیل به چند اولویت اصلی مانند اشتغال، فقرزدایی و... کنیم. این هم پیشنهاد دیگری است که برخی مطرح می‌کنند. با این سبک کار ما به یک قانون

تأمین اجتماعی کشور را سامان می‌دهد. بنابراین این سبک کار برنامه‌نویسی، به جز مسأله پاس دادن برنامه از یک دولت به دولت بعدی، اشکال دیگری که دارد این است که هم نوشتن آن بسیار زمان‌بر است، هم تصویب آن و هم پس از این مراحل، تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی‌اش. به همین دلیل هم هیچ برنامه‌ای به صورت دقیق و حداکثری اجرایی نمی‌شود. من باور دارم که اگر دولت آقای روحانی فقط همین یک مسأله را در ظرف ماه‌های آینده حل و فصل کند و سرو شکل متفاوتی برای آن ترتیب دهد، خدمت بزرگی به کشور کرده است و مضاف بر آن کار را برای دولت بعدی هم آسان می‌کند. البته توجه داشته باشید که این پیشنهاد بسیار محافظه کارانه است و با توجه به وضع موجود است. نظر واقعی بنده این است که اساساً حتی برنامه ۴ ساله هم محل تأمل است و شاید زمان آن سپری شده باشد که ان شاء الله اگر عمری باشد و فرصتی پیش آید درباره آن بحث خواهیم کرد.

**دولت بیش از اندازه مورد تعرض قرار گرفته و در جاهایی مسئول کارهایی شده که مسئول آنها نیست. تأثیر کارهای دولت در آینده مشخص خواهد شد. ببینید مسأله این دولت این بود که کارهای خوبی را شروع کرد اما خیلی‌ها به پایان نرسید. مهمترین آن برجام بود. دولت در اکثر اینها کار خودش را درست انجام داد اما شرایط و عوامل دیگری باعث عدم تحقق این برنامه‌ها شدند. در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها، شتاب دادن به تولید و امثال اینها. احساس می‌شود به شکل سازمانده‌ی شده برای خراب شدن دولت بود چه صرف می‌شود. از خارج هم حمله روی این دولت زیاد است و طبیعتاً دستاوردهای آن می‌کوبند تا بگویند اصلاحات، مسیر اعتدالی و انتخابات در این نظام فایده ندارد**

■ جز این موردی که شما گفتید، فکر می‌کنید دولت تا سال آینده چه کارهایی می‌تواند بکند که در کوتاه‌مدت بر زندگی مردم اثر ملموس بگذارد و افق پیش روی جامعه را در تابستان سال آینده قدری تغییر دهد؟

من فکر می‌کنم اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم در این حوزه کار بسیار سختی پیش روی دولت است. چون هم محدودیت زمان دارد، هم محدودیت اعتبارات مالی و هم محدودیت اختیارات. بنابراین فکر می‌کنم صحیح نباشد برای این چند ماه باقی‌مانده پیشنهادات خاص و متفاوتی به دولت داده شود. ببینید پیشنهاداتی در خصوص مسائلی مثل سواحل مکران، نظام آموزش و پرورش و این دست چیزها می‌توان ارائه داد اما با توجه به سه مورد محدودیتی که گفتم، الان اینها واقع‌بینانه نیست. ولی یک کاری که می‌شود در این مدت جز اینها انجام داد بحث اصلاحات ساختاری دولت است. برای برخی از اصلاحات نیاز به مصوبه مجلس است و اینکه چقدر مجلس این دوره با دولت در این کار همراهی می‌کنند. این را هم فاکتور می‌گیریم. اما واقعاً ما بخش‌های زیادی در دولت زیاد داریم. حتی من فکر می‌کنم انحلال برخی وزارتخانه‌ها هم برای کشور مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما کاری که دولت در سال پایانی خود

برنامه جمع و جور و اجرایی می‌رسیم و عناوین اصلی که از این برنامه نیاز به قانون دارند هم آماده می‌کنند و در نوبت مجلس می‌گذارند. باین شکل ما هم یک لایحه برنامه منطقی و قابل فهم و با اولویت‌های مشخص داریم و هم اینکه دولت بعدی هم راحت و سریع می‌تواند تغییرات و اصلاحات مدنظرش را در آن اعمال کند و هم سریع و با فووت وقت کم، به تصویب مجلس برساند. نتیجه این می‌شود که در پایان هر دولتی هم می‌توان بابت برنامه‌ای که توسط همان دولت تهیه شده حساب‌کشی کرد. این اتفاق الان نمی‌افتد چون سیکل سیاسی و سیاستگذاری ما نامنسجم و نامنطبق است. یعنی برنامه را یک دولت می‌نویسد و یکی دیگر باید آن را اجرا کند. بعد حجم آن بسیار زیاد است و از مرحله تدوین تا تصویب و اجرا و نوشتن آیین‌نامه‌هایش زمان زیادی طول می‌کشد و عملاً بخش زیادی از قانون اجرایی می‌شود. همین مسأله نوشتن آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین یکی از مشکلات جدی اجرایی کشور است. من مثالی که معمولاً همه‌جای زعم قانون «ساختار فاه و تأمین اجتماعی» است. این قانون در سال ۸۳ تصویب شده اما هنوز همه آیین‌نامه‌های اجرایی آن تصویب نشده‌اند. قانون بسیار مهمی هم هست که نمی‌توان آن را به راحتی نادیده گرفت. چون ساختار فاه و